

تحلیل محتوا توسعه سیاسی در اسناد فرادستی

(قانون اساسی و سند بیست‌ساله چشم‌انداز افق ۱۴۰۴)

دکتر مصطفی کواکبیان^۱

عظیم متین^۲

چکیده

این پژوهش به بررسی پیچیدگی‌های توسعه سیاسی در جمهوری اسلامی ایران با تمرکز ویژه بر تلاقی حاکمیت قانون اساسی و برنامه‌ریزی استراتژیک می‌پردازد. این پژوهش با تأکید بر لزوم بررسی عمیق قانون اساسی و سند چشم‌انداز ۲۰ ساله ۱۴۰۴، به بررسی تأثیر متقابل بین اصول قانون اساسی ریشه در فقه اسلامی و اهداف تحول‌آفرین ترسیم‌شده در چشم‌انداز بلندمدت می‌پردازد. این مطالعه با استفاده از روش تحلیل محتوای تلخیصی، جایگاه توسعه سیاسی را هم در قانون اساسی و هم در سند افق ۲۰ ساله بررسی کرده و پویایی پیچیده شکل‌دهنده مسیر سیاسی ایران را آشکار می‌کند. این یافته‌ها ماهیت دولت‌محور و از بالا به پایین توسعه سیاسی را روشن می‌سازد و چالش همسویی برنامه‌های توسعه با آرمان‌های دموکراتیک و مشارکت شهروندان را برجسته می‌کند. این تحلیل نه تنها مباحث آکادمیک در مورد توسعه سیاسی را غنی می‌کند، بلکه بینش‌های ارزشمندی را در اختیار سیاست‌گذاران قرار می‌دهد تا در چشم‌انداز متمایز اجتماعی-سیاسی جمهوری اسلامی ایران حرکت کنند. در نهایت، این مطالعه بر تأکید قانون اساسی بر مشارکت شهروندان و اصول دموکراتیک به‌عنوان عناصر اساسی برای تقویت ثبات سیاسی و اجتماعی تأکید دارد.

کلمات کلیدی: قانون اساسی، سند چشم‌انداز، توسعه سیاسی، مشارکت شهروندان، ثبات سیاسی.

kavakebyan@atu.ac.ir

azim_matin@atu.ac.ir

۱- استادیار و عضو هیئت‌علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی تهران

۲- دانشجوی دکتری علوم سیاسی-مسائل ایران-دانشگاه علامه طباطبایی تهران

از سالیان بسیار دور، با افزایش سطح دانش و فهم بشر، کیفیت و وضعیت زندگی انسان نیز همواره در حال بهبود و ارتقا بوده است. بعد از انقلاب فرهنگی-اجتماعی اروپا (رنسانس) و متعاقب آن انقلاب صنعتی، موج پیشرفت‌های شتابان در کشورهای غربی آغاز شد؛ نوسازی سیاسی اروپای غربی و آمریکای شمالی البته در طول چندین قرن گسترش یافت (Huntington, 1966, 380). اما متأسفانه در همین دوران، کشورهای شرقی روند روبه رشدی را تجربه نکردند (خانی و نصرالهی، ۱۳۹۶، ۲). با مقبولیت یافتن اصل حاکمیت مردم بر سرنوشت خویش در اندیشه سیاسی عصر جدید، موضوع توسعه سیاسی در کانون توجه قرار گرفت (گودرزی، ۱۴۰۰، ۱۴). مفهوم توسعه در زمان ما؛ نمادی از رفاه و قدرت ملی و بین‌المللی شده است (نوروزی و همکاران، ۱۳۸۸، ۳). به طوری که کشورها و اجتماعات بشری را بر اساس آن طبقه‌بندی می‌کنند. مثلاً کشورها را بر اساس این مفهوم به توسعه‌یافته، در حال توسعه و توسعه‌نیافته طبقه‌بندی می‌کنند (Nielsen, 2011, 6). مفهوم توسعه در مفهوم لغوی به معنای ترقی کردن و فراخ کردن آمده است (معین، ج ۱، ۱۱۶۵). در هر برهه تاریخی دولت‌ها برای رفع مسائل و مشکلات سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خود به سیاست‌های خاصی روی آورده‌اند و همیشه، چگونگی حکومت کردن، مورد توجه اندیشمندان سیاسی، جامعه‌شناسان و صاحب‌نظران حقوق عمومی بوده است. رهبران و مسئولان سیاسی نیز همواره تلاش دارند که نظام سیاسی‌شان را کارآمدتر سازند یا کارآمد جلوه دهند. تمامی حکومت‌ها هدف خود را دستیابی به خیر و مصلحت بیشتر برای شهروندان اعلام می‌کنند، اندیشمندان حقوق عمومی و علوم سیاسی نیز هدف سیاست و کارکرد نظام سیاسی را ایجاد نظم و ثبات از طریق کارآمدی نهادی می‌دانند (شاکری، ۱۳۹۶، ۲۶). توسعه سیاسی در کشورهای غربی با افزایش اهمیت مفاهیمی مانند حقوق شهروندی، قانون، مشارکت مردم در فرایندهای سیاسی و اعتبار بخشیدن به نظر مردم در تصمیمات سیاسی، تغییرات بزرگی در نظام‌های سیاسی غربی به وجود آورد (Huntington, 1966, 370). در قرن ۱۹م. توسعه سیاسی در کشورهای غربی با مفاهیمی چون؛ انتخابات عمومی، حقوق برابر برای تمام شهروندان، ایجاد نظام‌های دموکراتیک و آزادی‌های شهروندی به حداکثر رسید. در این دوره، کشورهایی مانند فرانسه، بریتانیا و آلمان با چالش‌های سیاسی و اجتماعی روبرو شده و در نهایت توانستند نظام‌های دموکراتیک و پایداری در امور سیاسی خود را برقرار کنند (بصیر، ۱۳۹۹، ۲۰۶). در دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۵۰م. با توجه به پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای که به‌ویژه در زمینه‌های اقتصادی و تکنولوژیک در چارچوب مدرنیزاسیون نصیب غرب شد و از دهه ۸۰ به بعد در واپسین سال‌های قرن بیستم شاهد پیدایش جریان‌های دیگری در توسعه بوده‌ایم که نظریه‌پردازی‌های جدید با زمینه‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی را در عصر پسانوسازی و جهانی‌شدن رقم زده‌اند (Coming, 1988, 144). در دهه‌های پایانی هزاره دوم، واژه توسعه عمدتاً با قیود خاصی مطرح می‌شد که نشانگر جهت‌گیری و رویکرد خاص توسعه بود، زیرا این واژه، خودش هم با توسعه و انشعابات مفهومی مواجه شده و دیگر مثل سابق صرفاً معطوف به رویکردهای اقتصادی نمی‌شد (pay, 1965, 3). از بین چندین مفهوم پیوندیافته با توسعه، مهم‌ترین آن‌ها، مفهوم توسعه سیاسی است که در حال حاضر اکثر قریب به اتفاق کشورها به انحای مختلفی با آن درگیر بوده و به‌عنوان یک فرایند اجتناب‌ناپذیر به آن

می‌نگرند. می‌توان گفت: در توسعه سیاسی اهداف و آرمان‌هایی مانند دموکراسی، آزادی، حقوق بشر مورد توجه است و در واقع با دقت نظر می‌توان دریافت که توسعه سیاسی، آرمان‌های خرد یعنی آزادی‌های فردی و حقوق فردی را هدف‌گذاری کرده است (عباس زاده، ۱۳۹۹، ۱۶). تاریخ تحولات سیاسی در ایران معاصر، گویای این واقعیت تلخ است که برخلاف جوامع غربی، رابطه مثبت و سازنده‌ای بین طرفدار توسعه سیاسی و سیاستمداران طرفدار منافع ملی برقرار نبوده است و کارگزاران این دو حوزه، توجه به اهداف و کار ویژه‌های طرف مقابل که در واقع لازمه سیاست ورزی عقلانی است را مورد عنایت قرار نداده‌اند. اگر استمرار متناوب این بی‌توجهی متقابل، هزینه‌های سنگینی را برای جامعه سیاسی ما به دنبال داشته است، درک درست و جامع از کار ویژه‌ها و تقسیم‌کار سیاسی و سپس تعهد رفتاری به ضرورت‌های قواعد بازی سیاسی، به‌ویژه لوازم تعامل سازنده بین آزادی‌خواهی و سیاستمداری، می‌تواند از دامنه آسیب‌ها و هزینه‌های عرصه سیاسی بکاهد (وفایی، ۱۳۹۳: ۷۹) در بررسی پیچیدگی‌های توسعه سیاسی در ج.ا. ایران، بررسی عمیق قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست‌ساله ۱۴۰۴ به‌عنوان اسناد فرادستی و مادر ضروری می‌شود؛ بنابراین در این پژوهش تأکید بر تلاقی حاکمیت قانون اساسی و برنامه‌ریزی‌های استراتژیک با مفهوم توسعه سیاسی مورد نظر خواهد بود. با بررسی مضمون این اسناد، بر آنیم تا پویایی‌های ظرفی را که توسعه سیاسی در ایران، تأثیر اصول قانون اساسی بر تحقق اهداف بلندمدت و تأثیر چشم‌انداز راهبردی بر تفسیر و تحول مفهوم توسعه سیاسی را ارزیابی کنیم. نتایج این تحلیل نه تنها کمک قابل توجهی به گفتمان دانشگاهی در مورد توسعه سیاسی می‌کند، بلکه بینش‌های ارزشمندی را برای سیاست‌گذاران و سهامدارانی که در چشم‌انداز منحصر به فرد اجتماعی-سیاسی جمهوری اسلامی ایران حرکت می‌کنند، ارائه می‌دهد و این فرصت را به تصمیم‌گیران نشان می‌دهد که با توسعه سیاسی، مردم را در فرآیند تصمیم‌گیری شرکت دهند و از نظر سیاسی و اجتماعی پایداری را بهبود بخشند.

پرسش‌هایی که در این مقاله در صدد پاسخ‌گویی به آن‌ها هستیم این است که:

- ۱- توسعه سیاسی چه جایگاهی در قانون اساسی و سند بیست‌ساله چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ در ایران دارد؟
- ۲- ارتباط بین قانون اساسی با سند چشم‌انداز افق بیست‌ساله افق ۱۴۰۴ جهت تحقق شاخص‌ها و مؤلفه‌های توسعه سیاسی به چه صورتی برقرار است؟

پیشینه پژوهش و نوآوری موضوع

۱-مقاله و پایان‌نامه کارشناسی ارشد، قاسم میسایی (۱۳۹۳) با عنوان «جهانی‌شدن و توسعه در برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران» (مطالعه موردی برنامه‌های سوم، چهارم و پنجم توسعه) دانشگاه علامه طباطبایی-تهران: در این پژوهش، نویسنده به بررسی نحوه نگرش به جهانی‌شدن در برنامه‌های توسعه سوم، چهارم و پنجم توسعه با روش تحلیل محتوا پرداخته است؛ و نشان می‌دهد که جهانی‌شدن در برنامه‌های توسعه، هم به صورت تهدید و هم به صورت فرصت برای توسعه کشور مطرح شده است، اما جنبه‌های مثبت و فرصت‌گونه جهانی‌شدن در برنامه‌های توسعه، تجلی بیشتری دارند، هر چند که وجود جنبه منفی و تهدیدآمیز جهانی‌شدن نیز در برنامه‌های توسعه انکارناپذیر است؛ اما برای

پی بردن به میزان تأثیرگذاری برنامه‌های توسعه، باید اسناد فرادستی تر مانند قانون اساسی و برنامه چشم‌انداز بیست‌ساله که دیگر برنامه‌ها در راستای تحقق آنها طرح و اجرا می‌شوند بررسی شود.

۲- مقاله با عنوان «موانع سیاسی توسعه اقتصاد ملی ایران ۱۳۶۸-۱۳۸۸» دکتر فائز دین‌پرست که به مطالعه و بررسی نقش نمایندگان مجلس در قانون‌گذاری برای توسعه می‌پردازد و ردپای منافع سازمانی و منطقه‌ای نمایندگان را در جای‌جای برنامه‌های توسعه، آشکار می‌کند اما در این کار پژوهشی به قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست‌ساله به‌عنوان چارچوبی نظام‌مند برای توسعه اقتصادی و سیاسی پرداخته نشده است.

۳- مقاله‌ای با عنوان «توسعه سیاسی در ایران پس از خرداد ۱۳۷۶» از دکتر مهدی عباسی سرمدی در این مقاله محتوای فکری اصلاحات در قالب شعار سیاسی و روند تحقق آن و میزان موفقیت و چگونگی پیوند نظام سیاسی با قانون حاکم و دیدگاه‌های رقیب و میزان رشد برخی مؤلفه‌های توسعه سیاسی در دوره‌های ریاست جمهوری بعدی بررسی و تحلیلی شده است.

۴- مقاله‌ای با عنوان «تحلیل مضمونی توسعه سیاسی در قانون اساسی ج.ا.ایران» از احمدرضا شاه علی و همکاران، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم شماره سوم، پاییز ۱۳۹۹، صص ۶۱-۸۵. در این مقاله محقق با رویکرد تحلیل مضمون شبکه‌ای مضامین مرتبط با توسعه سیاسی در قانون اساسی اصلاحی سال ۱۳۶۸ را برای یافتن پاسخی به این مسئله و سؤال که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که ملهم از آموزه‌های دین اسلام است، ضمن تأکید بر رعایت تعادل میان نیازهای مادی و معنوی و رعایت موازین و ضوابط اسلامی در همه امور کشور، بر پیشرفت همه‌جانبه کشور تأکید شده است. اینکه چه ظرفیت‌های قانونی برای توسعه سیاسی وجود دارد؟ سؤالی است که ما را به راهکارهای دقیق و قابل تحقق برای نیل به توسعه سیاسی می‌رساند و بر حاکمیت مردم در طول حاکمیت خداوند، نظریه ولایت فقیه و جایگاه سیاسی- اجتماعی مردم و مشارکت سیاسی تأکید دارد در این کار پژوهشی نیز به چالش‌ها و موانع برای درک درست کارکرد قانون اساسی و حتی برنامه چشم‌انداز پرداخته نشده است تا این خلأ باکارهای پژوهشی بعدی رفع شود.

با توجه به پیشینه محدود مقالات مورداشاره، می‌توان گفت که بررسی جایگاه توسعه سیاسی در قانون اساسی، سند چشم‌انداز بیست‌ساله افق ۱۴۰۴ و برنامه‌های توسعه جمهوری اسلامی ایران در کنار هم و توأمان تاکنون موضوع پژوهش مستقلی نبوده است.

روش پژوهش

باید در نظر داشت که مقوله سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی، به‌طور اساسی مقوله‌ای مرتبط با قدرت است و سیاست‌ها نتیجه فرایندهای پیچیده سیاسی، اجتماعی و نهادی هستند. از این رو می‌بایست در تحلیل فرایند سیاست‌گذاری از مدلی استفاده کرد که قابلیت آن را داشته باشد تا مهم‌ترین مؤلفه‌ها و متغیرهای تأثیرگذار در این فرایند را مورد بررسی قرار

دهد. به منظور پاسخ‌گویی به این سؤالات از روش تحلیل محتوا تلخیصی استفاده شده است؛ از این روش برای شناسایی و کمی کردن کلمات یا مضامین ویژه موجود در متن، باهدف فهم چگونگی کاربرد این کلمات یا محتوای آنها در متن استفاده می‌شود. این کمیت‌سازی نه تنها تلاشی برای فهم معنای کلمات است، بیشتر از آن، کشف کاربرد این کلمات در متن است. تحلیل کردن برای نمود یک کلمه یا مضمون ویژه در متن، نشانی از تحلیل محتوای واضح و مشخص است (ایمان، ۱۳۹۰، ۲۷). در یک تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تلخیصی، تحلیل داده با جستجوی کلمات مشخص وسیله روش دستی یا کامپیوتری آغاز می‌شود. واژگان پرشماری برای هر اصطلاح مشخص محاسبه می‌شود. در این پژوهش از نرم‌افزار MAXQDA برای استخراج و دسته‌بندی داده‌ها استفاده شده است MAXQDA. نرم‌افزار تحلیل محتوای که برای مدیریت و تحلیل داده‌های کیفی به کار می‌رود. این ابزار، مورد استفاده پژوهشگران و دانشجویان حوزه‌های علوم انسانی، علوم اجتماعی، روانشناسی و مدیریت قرار می‌گیرد. در تحقیقات پایه و کاربردی، تحلیل داده‌ها به‌عنوان یک امر حیاتی محسوب می‌شود، زیرا به دلیل حجم و پیچیدگی داده‌ها، استفاده از نرم‌افزارهای تحلیلی نظیر MAXQDA ضروری است. با استفاده از قابلیت‌های قدرتمند MAXQDA، می‌توان به تحلیل دقیق داده‌های پژوهشی پرداخت و نتایج مؤثری را به دست آورد.

اصول و ماده‌ها و بندهای قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست‌ساله افق ۱۴۰۴ ج.ا.ایران به‌عنوان واحدهای زمینه، انتخاب شده‌اند. برای درک و تبیین موضوع، ابتدا به مفهوم توسعه سیاسی و نظریات توسعه سیاسی پرداخته می‌شود، سپس با استفاده از روش تحلیل محتوا و به کمک متن‌های مرتبط با موضوع مورد نظر، از قبیل مصاحبه‌ها، مقالات و دستورات عملی، به تحلیل دقیق و تفصیلی از محتوای آنها می‌پردازیم (مؤمنی راد، ۱۳۹۲، ۱۹۸). در این پژوهش تحلیل محتوای قانون اساسی، سند چشم‌انداز افق ۱۴۰۴ پس از جمع‌آوری، به هر مؤلفه و شاخص توسعه سیاسی یک کد تخصیص داده می‌شود. سپس با استفاده از کدگذاری، اطلاعاتی مانند موضوع، موقعیت مکانی و زمانی شاخص، میزان تأثیرگذاری و اثربخشی آن شناسایی می‌شود.

چارچوب نظری: چارچوب نظری ترکیبی

چارچوب نظری ترکیبی معمولاً به یک ساختار یا مدل مفهومی اشاره دارد که عناصری را از دیدگاه‌ها یا رویکردهای نظری مختلف برای پرداختن به یک سؤال یا مشکل پژوهشی خاص ترکیب می‌کند. این ادغام به محقق اجازه می‌دهد تا از نقاط قوت نظریه‌های متعدد استفاده کنند و جامعیت و قدرت توضیحی چارچوب را افزایش دهند. یک چارچوب نظری ترکیبی نیاز به یک رویکرد متفکرانه و سنجیده دارد. این یک فرآیند خلاقانه است که شامل ترکیب ایده‌های متنوع برای افزایش غنا و عمق تحقیق شما است (همدانی گلشن و همکاران، ۱۳۹۸، ۹۵). بازسازی و توسعه اقتصادی جزئی از یک مجموعه وسیع‌تر است. بحث توسعه تنها در ارتباط با مقوله‌ها و متغیرهای اقتصادی نیست، بلکه ارتباط مهمی با توسعه سیاسی، دموکراتیزاسیون و وضعیت سیاسی، اجتماعی، فرهنگی یک جامعه دارد. ناکامی بسیاری از برنامه‌های توسعه و آشکار شدن نارسایی سیاست‌ها و فرایندهای پیشین نسبت به توسعه و گسترش مسائل حاکی از

لزوم تلفیق جوانب اجتماعی، سیاسی و اقتصادی با یکدیگر است. همچنین روشن شدن ملازمت رشد سریع با نابرابری فزاینده در برخی از کشورهای جهان ضرورت چنین بازاندیشی درباره مفاهیم توسعه را فراهم کرده و اولویت دادن به مؤلفه‌های مردم‌سالاری، توسعه سیاسی و حکومت‌داری شایسته در برنامه‌های توسعه را ضروری ساخته است، چندان‌که کشورها و سازمان‌های معتبر بین‌المللی به این مؤلفه‌ها دیگر به چشم پدیده‌های صوری و نمایشی نگاه نمی‌کنند و حتی آن را مقدم بر برنامه‌های عمرانی سنتی مانند ایجاد سد، آب‌رسانی، آموزش و پرورش و... محسوب می‌کنند (سن، ۱۳۸۱، ۷۵-۸۰). نظریات مختلفی درباره توسعه سیاسی وجود دارد. توسعه سیاسی به‌عنوان فرآیندی پویا و چندوجهی، مورد توجه بسیاری از مطالعات سیاسی قرار گرفته است در زیر چند ایده متفاوت در مورد توسعه سیاسی آورده شده است: از جمله نظریات مهم در این زمینه، نظریه پایه-محور توسعه سیاسی، نظریه توسعه دموکراتیک و نظریه توسعه پایدار است. در جدول شماره (۱) به مهم‌ترین نظریات ارائه‌شده از سوی نظریه‌پردازان برای به دست آوردن مهم‌ترین مؤلفه‌های توسعه سیاسی به آن پرداخته خواهد شد:

جدول شماره: ۱

نظریات توسعه سیاسی

ردیف	صاحب نظر	نظریه
۱	مایکل تودارو Michael Paul Todaro	"مجموعه نظام اجتماعی، هماهنگ با نیازهای متنوع اساسی و خواسته‌های افراد و گروه‌های اجتماعی در داخل آن کشور از حالت نامطلوب به سوی وضعیتی بهتر تغییر کند." (ساعی، ۱۳۸۸)
۲	هلیو جگورایب Helio Jaguaribe	وی توسعه سیاسی را معادل نوسازی سیاسی به‌علاوه نهادینه کردن سیاسی می‌داند. او نوسازی سیاسی را فرایند افزایش متغیرهای عملیاتی یک حکومت می‌داند و در این رابطه از سه متغیر جهت‌گیری عقلایی، تفکیک ساختاری و قابلیت نام می‌برد و برای اندازه‌گیری کمی و کیفی آن‌ها شاخص‌هایی را معرفی نموده است. (کلانتری، هوشنگی و بیات، ۱۳۹۹)
۳	لئونارد بایندر Leonard Binder	توسعه سیاسی را در سه مفهوم برابری، ظرفیت و تفکیک وظایف خلاصه کرده و این مفاهیم را در مجموع سندروم توسعه نامیده است. وی فرایند توسعه را به دلیل وجود تناقض‌های ذاتی در عوامل تشکیل‌دهنده آن باید فرایندی طولانی و پایان‌ناپذیر دانست. (خواجه سروی، ۱۳۸۰)
۴	گابریل آلموند Gabriel Almond	معیار نیل به توسعه سیاسی عبارت است از کسب قابلیت‌های جدید، به معنای تخصصی شدن ساختار نقش و متنوع شدن جهت‌گیری‌ها که مشترکاً امکان پاسخگویی کارآمد و کم‌ویش مستقل سیستم سیاسی به طیف جدید مشکلات را فراهم می‌آورند. (اعتباریان خوراسگانی و قلی پور مقدم، ۱۳۹۶)
۵	آیزنشتات Eisenstadt	ایزنشتات توسعه سیاسی را به ساختار سیاسی تنوع یافته و تخصصی‌شده و توزیع اقتدار سیاسی در کلیه بخش‌ها و حوزه‌های جامعه مرتبط می‌سازد. به نظر وی هراندازه جامعه از ساختارهایی برخوردار شود که هرکدام دارای هویت مستقل برای خود باشند به همان نسبت بر درجه توسعه سیاسی آن افزوده خواهد شد. (اعتباریان خوراسگانی و قلی پور مقدم، ۱۳۹۶)

۶	آلفرد دیامنت Alfred Diamond	وی توسعه سیاسی را معادل توانایی سیستم سیاسی به رشد و پاسخگویی به الزامات جدید محیطی می‌داند. به عبارتی وی توسعه سیاسی را درکلی‌ترین شکل خود، به‌عنوان یک فرایند می‌داند که طی آن، یک سیستم سیاسی ظرفیت بالایی برای حفظ موفقیت‌آمیز و مداوم اهداف و انتظارات جدید و ایجاد انواع جدیدی از سازمان‌ها را کسب می‌کند.
۷	هانتینگتون Samuel Phillips Huntington	توسعه سیاسی و ثبات هر حکومت در رابطه مناسب و تعادل بین نهادینه کردن سیاست‌ها و مشارکت سیاسی است. (اعتباریان و اکیریان، ۱۳۹۶)
۸	هیگر Higer	وی توسعه را یک فرایند تکاملی و غیرقابل برگشت می‌داند؛ بنابراین توسعه سیاسی را قابلیت نهادهای سیاسی کشورها در مقابله با پیامدهای تغییرات اقتصادی و اجتماعی می‌داند. (هدی، ۱۳۸۵)
۹	جان کاتسکی John Katsky	توسعه سیاسی را یک تعارض گروهی برای تغییرات سیاسی و نوسازی می‌داند، این نوع نوسازی تأثیرات متفاوتی را بر بخش‌های مختلف جامعه سنتی خواهد گذاشت، عناصر نوساز، موجبات تغییر سیاسی انقلابی را فراهم می‌آورند. در نهایت ممکن است شرایط متعادل بروز کند یا خیر. هرچه دوران تعادل طولانی‌تر باشد، شانس آن کشور برای بقاء بیشتر می‌شود. (اعتباریان خوراسگانی و قلی پور مقدم، ۱۳۹۶)
۱۰	استیگلitz Joseph Eugene Stiglitz	توسعه سیاسی؛ گفت‌وگوی آزاد و مشارکت مدنی فعال و انعکاس صدای افراد در تصمیماتی که بر زندگی آن‌ها تأثیرگذار است را تعریف می‌کند. (استیگلitz، ۱۳۹۵)
۱۱	لوسین پای Lucian.w. pye	بر اساس دیدگاه لوسین پای، توسعه سیاسی به معنی پیشرفت و تحول سیاسی در یک جامعه است که شامل توسعه نظام دموکراتیک، شناخت و تحلیل سیستم سیاسی، پذیرش مشارکت سیاسی و توسعه حقوق و آزادی‌های شهروندی است. این توسعه می‌تواند به دو صورت تحولی و تکاملی صورت پذیرد؛ تحولی به معنی تغییر نظام سیاسی در جامعه است و تکاملی به معنی رشد و پیشرفت پایدار و پایداری در سیستم سیاسی است. لوسین پای در مجموع افزایش ظرفیت نظام را در پاسخگویی به نیازها و خواسته‌های مردم، تنوع ساختاری، تخصصی شدن ساختارها و همچنین افزایش مشارکت سیاسی را لازمه توسعه سیاسی می‌پندارد. او بر این نظر است که برای تحقق توسعه مطلوب، یک نظام سیاسی باید از یک سلسله بحران‌هایی به‌صورت موفقیت‌آمیز عبور کند. (خواج‌ه سروی، ۱۳۸۰)

هم صاحب‌نظران و هم برنامه ریزان تلاش کردند تعریف جامع‌تری از توسعه ارائه دهند. به همین خاطر، مشخصاتی نظیر کاهش فقر و نابرابری نیز در مفهوم توسعه گنجانده شد و توسعه به معنای «بهبود زندگی اجتماعی» در نظر گرفته شد (بشیریه، ۱۳۸۰ الف، ۱۱). با توجه به نظریات ارائه‌شده؛ توسعه سیاسی می‌تواند به دموکراسی سازی بیشتر، ایجاد ساختارهای حکومتی پاسخگوتر و افزایش مشارکت و توانمندسازی شهروندان در روند سیاسی منجر شود (آبیار، ۱۳۹۶، ۱۷۳). با توجه به چارچوب نظری ترکیبی، گذار به توسعه سیاسی را در سه موضوع؛ دولت، جامعه مدنی و مردم می‌توان بیان کرد (میسایی و همکاران، ۱۳۹۸، ۱۶۳).

دولت و توسعه سیاسی: توسعه سیاسی و دولت مفاهیمی نزدیک به هم هستند، زیرا توسعه سیاسی اغلب به‌عنوان فرآیندی برای بهبود و تقویت ساختارها و نهادهای دولت تلقی می‌شود. توسعه سیاسی به تکامل نظام‌های سیاسی و

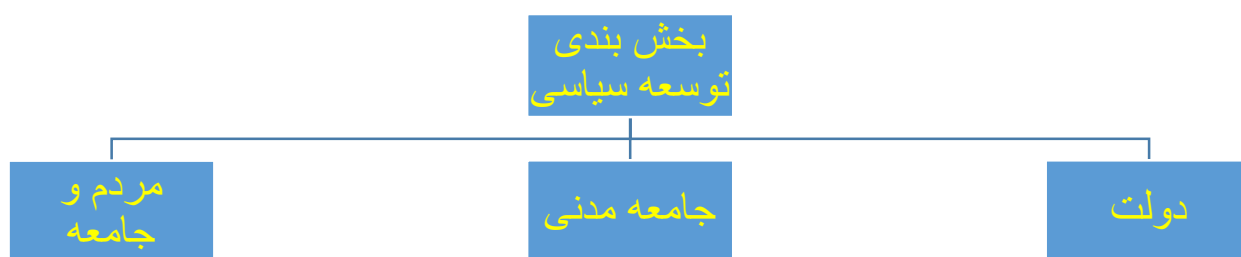
نحوه عملکرد آنها، از جمله شیوه‌های اعمال و توزیع قدرت سیاسی اشاره دارد (بشیریه، ۱۳۷۸، ۱۹). دولت سازمان رسمی است که مسئولیت حفظ نظم و قانون، حمایت از حقوق و آزادی‌های شهروندان و ارائه خدمات اساسی مانند آموزش، مراقبت‌های بهداشتی و زیرساخت‌ها را بر عهده دارد. یک دولت با عملکرد خوب برای توسعه سیاسی ضروری است، زیرا چارچوبی را فراهم می‌کند که در آن فرآیندهای سیاسی می‌توانند انجام شوند. دولتی که در برابر شهروندان پاسخگو باشد و به نیازهای آنها پاسخ دهد، می‌تواند محیطی را ایجاد کند که در آن دموکراسی می‌تواند شکوفا شود و به شهروندان امکان می‌دهد در فرآیند تصمیم‌گیری شرکت کنند و نمایندگان منتخب خود را پاسخگو بدانند. توسعه سیاسی به نوبه خود می‌تواند به بهبود اثربخشی و مشروعیت نهادهای دولتی کمک کند (لفت و یچ، ۱۳۸۵، ۲۵-۱۲). این می‌تواند شامل اصلاحات در سیستم سیاسی، مانند تمرکززدایی قدرت، تقویت نهادهای دموکراتیک و بهبود حاکمیت قانون باشد.

توسعه سیاسی و جامعه مدنی: جامعه مدنی به سازمان‌ها، گروه‌ها و افرادی اطلاق می‌شود که مستقل از دولت هستند و برای ارتقای منافع و ارزش‌های شهروندان تلاش می‌کنند (بشیریه، ب ۱۳۸۰، ۳۲۹). در یک جامعه توسعه‌یافته سیاسی، جامعه مدنی نقش حیاتی در حصول اطمینان از مشارکت شهروندان در فرآیند تصمیم‌گیری و شنیدن صدای آنها ایفا می‌کند. سازمان‌های جامعه مدنی می‌توانند فضایی را فراهم کنند تا شهروندان گرد هم آیند تا در مورد مسائل بحث کنند و از حقوق و منافع خود دفاع کنند. توسعه سیاسی همچنین می‌تواند با ایجاد محیطی که در آن سازمان‌های جامعه مدنی بتوانند آزادانه و بدون ترس از سرکوب دولتی فعالیت کنند، به تقویت جامعه مدنی کمک کند. این می‌تواند شامل اصلاحات در سیستم حقوقی، مانند حمایت از آزادی بیان و تشکل و اطمینان از دسترسی سازمان‌های جامعه مدنی به بودجه و سایر منابع باشد. توسعه سیاسی و جامعه مدنی مفاهیمی به هم وابسته هستند، زیرا جامعه مدنی نقشی حیاتی در حصول اطمینان از مشارکت شهروندان در فرآیند سیاسی و مسئولیت‌پذیری مقامات دولتی ایفا می‌کند. توسعه سیاسی می‌تواند با ایجاد محیطی که در آن سازمان‌های جامعه مدنی بتوانند آزادانه و بدون ترس از سرکوب دولتی فعالیت کنند، به تقویت جامعه مدنی کمک کند و سازمان‌های جامعه مدنی نیز به نوبه خود می‌توانند به توسعه یک نظام سیاسی دموکراتیک‌تر و پاسخگوتر کمک کنند (بشیریه، ۱۳۷۸، ۲۱).

توسعه سیاسی و مردم: توسعه سیاسی و مردم ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند، زیرا توسعه سیاسی در نهایت ایجاد یک نظام سیاسی است که در خدمت نیازها و منافع مردم باشد. مردم ذینفعان نهایی در نظام سیاسی هستند و مشارکت و مشارکت آنها برای توسعه یک نظام سیاسی سالم و دموکراتیک ضروری است. توسعه سیاسی می‌تواند شامل طیف وسیعی از اصلاحات باهدف بهبود عملکرد نظام سیاسی باشد، مانند تقویت نهادهای دموکراتیک، ارتقای شفافیت و پاسخگویی و حمایت از حقوق و آزادی‌های مردم. مشارکت مردم می‌تواند اشکال مختلفی از جمله رأی دادن در انتخابات، شرکت در اعتراضات و تظاهرات، پیوستن به سازمان‌های جامعه مدنی و ارتباط با مقامات دولتی داشته باشد. به‌طور خلاصه، توسعه سیاسی و مردم مفاهیمی

به هم وابسته هستند، زیرا توسعه سیاسی در نهایت ایجاد یک نظام سیاسی است که در خدمت نیازها و منافع مردم باشد. شاخص‌های مردم در توسعه سیاسی شامل آگاهی سیاسی، وجود عنصر اعتماد در روابط اجتماعی، همبستگی ملی و احساس تعلق ملی، عدم وجود شکاف‌های آشتی‌ناپذیر در جامعه، جامعه‌پذیری و انسجام اجتماعی است که مردم از طریق مشارکت سیاسی، نقش مهمی در شکل‌گیری و بهبود نظام سیاسی ایفا کنند (خاتمی، ۱۳۷۹، مقدمه).

نمودار شماره ۱:



جدول شماره ۲:

مؤلفه‌های توسعه سیاسی

مؤلفه‌های شاخص مردم و جامعه (شهروندان)	مؤلفه‌های شاخص جامعه مدنی (نهادهای و تشکیلات غیردولتی)	مؤلفه‌های شاخص دولت
آگاهی سیاسی	احزاب سازمان‌یافته	حاکمیت قانون و ضابطه در نظام اداری
وجود عنصر اعتماد در روابط اجتماعی	سازمان‌های غیردولتی	تمرکززدایی در اداره کشور
همبستگی ملی و احساس تعلق ملی	قوانین و ساختارهای لازم برای مشارکت نهادهای جامعه مدنی	تخصصی کردن حکومت
عدم وجود شکاف‌های آشتی‌ناپذیر در جامعه	عملکرد دموکراتیک جامعه مدنی	یکپارچگی ساختارها و روندها
جامعه‌پذیری		منابع درآمدی دولت (دولت غیر رانتی)
انسجام اجتماعی		عدم وجود فساد اداری و سیاسی
		نفوذ نظام سیاسی (حاکمیت سرزمینی)
		یکپارچگی سیاسی (همگرایی داخلی)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی ج.ا.ایران تبیین‌کننده نهادها و مناسبات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است. قانون اساسی علاوه بر تعیین اهداف، آرمان‌ها و راهبردهای کلی، جهت دهنده به محتوای برنامه‌ها، در تعیین سایر ارکان آن نظام نیز نقش مهمی ایفا می‌کند (رستمی و ابراهیمی، ۱۳۹۷، ۴۹). در این قانون برای برنامه‌ریزی و تنظیم بهینه تمام حوزه‌های زندگی اجتماعی اعم از سیاسی، اقتصادی و فرهنگی اصول و

مبانی قانونی در نظر گرفته شده است که در تعامل این اصول با یکدیگر، شرایط مطلوب برای رسیدن به جامعه مورد نظر شکل می‌گیرد. هدف نهایی این نهاد سیاسی و اجتماعی، زمینه‌سازی رشد، تعالی و پیشرفت انسان و ساخته شدن جامعه نمونه اسلامی است. اهداف کلان جامعه و چگونگی تأسیس هیئت حاکمه شامل قوای مقننه، مجریه، قضاییه و سایر نهادهای حاکمیتی در قانون اساسی بیان می‌شود. قانون اساسی ایران برای اولین بار در نتیجه انقلاب مشروطه تدوین شد که از نقاط عطف تاریخ ایران بود. قانون اساسی ج.ا.ایران نیز در امتداد انقلاب اسلامی ایران و با تغییراتی اساسی و اصلاحاتی ساختاری در قوانین پیشین و به‌ویژه با تأکید بر اسلامیت در کنار جمهوریت تدوین شده است. قانونی که با ایجاد مبانی لازم برای توسعه کشور، تمهیدات بسیاری برای این امر اندیشیده است و در صورت قرائت دقیق و نظارت صحیح می‌تواند راهگشای توسعه کشور ایران در تمام حوزه‌ها از جمله توسعه سیاسی باشد (شاه علی و همکاران، ۱۳۹۹، ۶۳). در مجموع قانون اساسی یک سند حقوقی و سیاسی مربوط به قدرت، انتقال و اجرای آن است که اصول و موازین حاکم بر روابط سیاسی افراد در ارتباط با دولت و نهادهای سیاسی کشور و شیوه تنظیم آن‌ها و همچنین کیفیت توزیع قدرت میان فرمانروایان و فرمانبران را تعیین می‌کند. قانون اساسی ج.ا.ایران که مبین نهادهای فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس دین اسلام، آرمان‌ها و اهداف انقلاب اسلامی است. این قانون، شامل یک مقدمه، ۱۴ فصل و ۱۷۷ اصل است.

جدول شماره: ۲

گزاره‌های استخراج شده از اصول قانون اساسی ج.ا.ایران (۱۳۶۸) با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA

مؤلفه‌های شاخص دولت	مؤلفه‌های شاخص جامعه مدنی (نهادهای و تشکیلات غیردولتی)	مؤلفه‌های شاخص مردم و جامعه (شهروندان)
حاکمیت قانون و ضابطه در نظام اداری	احزاب سازمان‌یافته	آگاهی سیاسی
- قانون‌گذاری [...] بر مدار قرآن و سنت، جریان می‌یابد (مقدمه). - کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر این‌ها باید بر اساس موازین اسلامی باشد (اصل ۴). - هیچ‌کس را نمی‌توان دستگیر کرد مگر به حکم و ترتیبی که قانون معین می‌کند (اصل ۳۲). - دادخواهی حق مسلم هر فرد است (اصل ۳۴).	احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده مشروط آزادند (اصل ۲۶). - تشکیل اجتماعات و راهپیمایی‌ها... به شرط آنکه مخل به مبانی اسلام نباشد آزاد است (اصل ۲۷).	حوزه‌های علمیه و دانشگاه به روشنگری و با الهام از مکتب [...] اسلام تلاش پیگیر و ثمربخشی را در بالا بردن سطح آگاهی و هوشیاری مبارزاتی و مکتبی ملت مسلمان آغاز کردند (مقدمه). - بیانیه‌ها و پیام‌های پی‌درپی امام... آگاهی و عزم امت اسلامی را عمق و گسترش هر چه فزون‌تر داد (مقدمه). - بالا بردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر (بند ۲ اصل ۳). - در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه

<p>مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد (اصل ۵۹).</p>		
<p>وجود عنصر اعتماد در روابط اجتماعی</p>	<p>سازمان‌های غیردولتی</p>	<p>تمرکززدایی در اداره کشور</p>
<p>- توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم (بند ۱۵ اصل ۳). - حیثیت، جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است (اصل ۲۲).</p>		<p>- حاکمیت مطلق برج‌جهان و انسان از آن خداست و هم او، انسان را بر سرنوشت اجتماعی خویش حاکم ساخته است (اصل ۵۶). - قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه امر هستند، این قوا مستقل از یکدیگرند (اصل ۵۷).</p>
<p>همبستگی ملی و احساس تعلق ملی</p>	<p>قوانین و ساختارهای لازم برای مشارکت نهادهای جامعه مدنی</p>	<p>تخصیصی کردن حکومت</p>
<p>همبستگی گسترده مردان و زنان از همه اقشار و جناح‌های مذهبی و سیاسی در این مبارزه به طرز چشمگیری تعیین‌کننده بود (مقدمه). -</p>	<p>- در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ممکن است اعمال قوه مقننه از راه همه‌پرسی و مراجعه مستقیم به آراء مردم صورت گیرد (اصل ۵۹). - برای پیشبرد سریع برنامه‌های اجتماعی، اقتصادی، عمرانی، بهداشتی، فرهنگی، آموزشی و سایر امور رفاهی از طریق همکاری مردم با نظارت شورایی صورت می‌گیرد (اصل ۱۰۰). -</p>	<p>طبق دستور قرآن کریم، شوراها و نظایر این‌ها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند (اصل ۷). - تعیین رهبر به عهده خبرگان منتخب مردم است (اصل ۱۰۷). - رئیس‌جمهور برای مدت چهار سال بارأی مستقیم مردم انتخاب می‌شود (اصل ۱۱۴). - وزرا توسط رئیس‌جمهور تعیین و برای گرفتن رأی اعتماد به مجلس معرفی می‌شوند (اصل ۱۳۳).</p>
<p>عدم وجود شکاف‌های آشتی‌ناپذیر در جامعه</p>	<p>عملکرد دموکراتیک جامعه مدنی</p>	<p>یکپارچگی ساختارها و روندها</p>
<p>- تصمیمات شوراها نباید مخالف موازین اسلام و قوانین کشور باشد (اصل ۱۰۵). -</p>	<p>- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش (بند ۸ اصل ۳). - در جمهوری اسلامی ایران امور کشور باید به اتکاء آراء عمومی اداره شود (اصل ۶). - نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند (اصل ۲۴). - در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین</p>	<p>- ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضروری (بند ۱۰ اصل ۳). - کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود (اصل ۵۳). - قوای حاکم در جمهوری اسلامی ایران عبارت‌اند از: قوه مقننه، قوه مجریه و قوه قضائیه که زیر نظر ولایت مطلقه... اعمال می‌گردند (اصل ۵۷). - شورای نگهبان نظارت بر انتخابات مجلس خبرگان رهبری، ریاست جمهوری،</p>

	اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد (اصل ۱۷۵). -	مجلس شورای اسلامی و مراجعه به آراء عمومی و همه‌پرسی را بر عهده دارد (اصل ۹۹).
جامعه‌پذیری		منابع درآمدی دولت (دولت غیر رانته)
-ملت... بر آن است که با موازین اسلامی جامعه نمونه (اسوه) خود را بنا کند (مقدمه).		نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است (اصل ۴۴).
انسجام اجتماعی		عدم وجود فساد اداری و سیاسی
-دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفاند نسبت به افراد غیرمسلمان بااخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند (اصل ۱۴). -مردم ایران از هر قوم و قبیله که باشند از حقوق مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند این‌ها سبب امتیاز نخواهد بود (اصل ۱۹).		-مجلس شورای اسلامی حق تحقیق و تفحص در تمام امور کشور را دارد (اصل ۷۶). -هر نماینده در برابر تمام ملت مسئول است و حق دارد در همه مسائل داخلی و خارجی کشور اظهارنظر نماید (اصل ۸۴). -نمایندگان مجلس شورای اسلامی می‌توانند در مواردی که لازم می‌دانند هیئت‌وزیران یا هر یک از وزرا را استیضاح کنند (اصل ۸۸). -هر کس شکایتی از طرز کار مجلس یا قوه مجریه یا قوه قضائیه داشته باشد، می‌تواند شکایت خود را کتباً به مجلس شورای اسلامی عرضه کند (اصل ۹۰). -دارایی رهبر، رئیس‌جمهور، معاونان رئیس‌جمهور، وزیران و همسر و فرزندان آنان قبل و بعد از خدمت، توسط رئیس قوه قضائیه رسیدگی می‌شود که برخلاف حق افزایش نیافته باشد (اصل ۱۴۲). -قوه قضائیه قوه‌ای است مستقل که پشتیبان حقوق فردی و اجتماعی و مسئول تحقق بخشیدن به عدالت... است (اصل ۱۵۶). -دیوان عالی کشور به‌منظور نظارت بر اجرای صحیح قوانین در محاکم و ایجاد وحدت رویه قضایی [...] تشکیل می‌گردد (اصل ۱۶۱). - به‌منظور رسیدگی به شکایات، تظلمات و اعتراضات مردم نسبت به مأمورین یا

		واحدها یا آیین‌نامه‌های دولتی و احقاق حقوق آنها، دیوانی به نام «دیوان عدالت اداری» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تأسیس می‌گردد (اصل ۱۷۳).
		- بر اساس حق نظارت قوه قضائیه نسبت به حسن جریان امور و اجرای صحیح قوانین در دستگاه‌های اداری، سازمانی به نام «سازمان بازرسی کل کشور» زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌گردد (اصل ۱۷۴).
		نفوذ نظام سیاسی (حاکمیت سرزمینی)
		حکومت ایران جمهوری اسلامی است که ملت ایران... به آن رأی مثبت داد (اصل اول).
		یکپارچگی سیاسی (همگرایی داخلی)
		- محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصارطلبی (بند ۶ اصل ۳).

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴

تدوین سند چشم‌انداز در افق ۱۴۰۴ یک سیاست‌گذاری کلان است، بنابراین ویژگی‌های سیاسی آن بیشتر از ابعاد دیگر مورد توجه است (افریشم، ۱۳۹۹، ۷۹). چشم‌انداز در واقع عبارت است از آرمان قابل دستیابی جامعه در یک زمان بلندمدت که متناسب با ارزش‌ها و آرمان‌های نظام و مردم تعیین می‌گردد. از آنجاکه چشم‌انداز یک سیاست‌گذاری کلان برای جامعه است، مؤلفه‌های سیاسی آن جایگاه برتری نسبت به دیگر مؤلفه‌ها دارد. از دیدگاه طراحان چشم‌انداز بیست‌ساله، چشم‌انداز تصویری از ایران آرمانی آینده است که هویت اسلامی و انقلابی آن مورد تأیید مقام معظم رهبری بوده است و باید از حکومت دینی استفاده کرد تا به جامعه آرمانی رسید (اخوان کاظمی، ۱۳۸۴، ۳۸). چشم‌انداز در واقع عبارت است از آرمان قابل دستیابی جامعه در یک زمان بلندمدت که متناسب با ارزش‌ها و آرمان‌های نظام و مردم تعیین می‌گردد. از آنجاکه چشم‌انداز یک سیاست‌گذاری کلان برای جامعه است، مؤلفه‌های سیاسی آن جایگاه برتری نسبت به دیگر مؤلفه‌ها دارد. از دیدگاه طراحان چشم‌انداز بیست‌ساله، چشم‌انداز تصویری از ایران آرمانی آینده است که هویت اسلامی و انقلابی آن مورد تأیید مقام معظم رهبری بوده است و باید از حکومت دینی استفاده کرد تا به جامعه آرمانی رسید (اخوان کاظمی، ۱۳۸۴، ۳۸). واگذاری تدوین سند چشم‌انداز به مجمع تشخیص مصلحت نظام، با این استدلال انجام پذیرفته که چون سند چشم‌انداز خود نوعی تدوین سیاست کلی نظام است، پس در حیطه وظایف مجمع می‌باشد. در حال، سند چشم‌انداز در آذرماه سال ۱۳۸۲ به‌عنوان برنامه بیست‌ساله کشور و با عنوان «چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ ه. ش» از سوی مقام معظم رهبری به رئیس‌جمهوری وقت - جناب آقای خاتمی - ابلاغ شد.

سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ که به‌عنوان مستندی جهت تعیین مسیر توسعه ایران در آینده تدوین شده است، چارچوبی جامع برای توسعه سیاسی ایران در دوره ۲۰ ساله آینده بوده است. بر اساس این سند، توسعه سیاسی بر مبنای تقویت و تحکیم نظام جمهوری اسلامی، پاسخگویی به نیازهای جامعه و پایبندی به اصول و قوانین اسلامی است. با توجه به تأثیرات عمیق و ژرف «چشم‌انداز بیست‌ساله» در ابعاد گوناگون زندگی ایرانیان، کندوکاو و بررسی آن از زوایای مختلف و متفاوت امری پسندیده بلکه لازم است (لطیفی، ۱۳۸۴: ۴۴). به‌عنوان بخشی از توسعه سیاسی در این سند، توجه به شفافیت و شناسایی منابع درآمد و هزینه‌های دولتی، تقویت نظام قضایی، ارتقای سطح فرهنگ و تفکر سیاسی جامعه، توسعه نظام حقوقی و پایبندی به حقوق بشر، توسعه اصلاحات دموکراتیک و توسعه مشارکتی در اداره کشور و توسعه ساختارهای مردم‌نهاد جامعه به‌عنوان عوامل مؤثر در توسعه سیاسی ایران آمده است (افرشم، ۱۳۹۹، ۸۰).

متن سند چشم‌انداز بیست‌ساله‌ی جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴ هجری شمسی؛ که در تاریخ ۱۳ آبان ۱۳۸۲ توسط رهبر معظم انقلاب به سران قوای سه‌گانه ابلاغ شد با بررسی تحلیل محتوا و استفاده از نرم‌افزار MAXQDA به شرح زیر است:

جدول شماره: ۳

گزاره‌های استخراج‌شده از سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴

با استفاده از نرم‌افزار MAXQDA

مؤلفه‌های شاخص دولت	مؤلفه‌های شاخص جامعه مدنی (نهادهای و تشکیلات غیردولتی)	مؤلفه‌های شاخص مردم و جامعه (شهروندان)
حاکمیت قانون و ضابطه در نظام اداری	احزاب سازمان‌یافته	آگاهی سیاسی
متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی - عدالت اجتماعی - آزادی‌های مشروع - بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی	آزادی‌های مشروع - بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی.	با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری
تمرکززدایی در اداره کشور	سازمان‌های غیردولتی	وجود عنصر اعتماد در روابط اجتماعی
توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود		متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران
تخصصی کردن حکومت	قوانین و ساختارهای لازم برای مشارکت نهادهای جامعه مدنی	همبستگی ملی و احساس تعلق ملی
توسعه‌یافته با جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه	متکی بر اصول اخلاقی و ارزش‌های اسلامی، ملی و انقلابی - تأکید بر مردم‌سالاری دینی - عدالت اجتماعی،	پیوستگی مردم و حکومت.

	آزادی‌های مشروع - حفظ کرامت و حقوق انسان‌ها و - بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی.	
عدم وجود شکاف‌های آشتی‌ناپذیر در جامعه	عملکرد دموکراتیک جامعه مدنی	یکپارچگی ساختارها و روندها
متعهد به انقلاب و نظام اسلامی و شکوفایی ایران - روحیه‌ی تعاون و سازگاری اجتماعی،	توسعه‌یافته، متناسب با مقتضیات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی خود	
جامعه‌پذیری	-	منابع درآمدی دولت (دولت غیر رانته)
تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی		با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری -
انسجام اجتماعی	-	عدم وجود فساد اداری و سیاسی
تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی مفتخر به ایرانی بودن.		برخوردار از وجدان کاری، انضباط، روحیه‌ی تعاون و سازگاری اجتماعی
-	-	نفوذ نظام سیاسی (حاکمیت سرزمینی)
		الهام‌بخش در جهان اسلام با تعامل سازنده و مؤثر در روابط بین‌الملل - امن، مستقل و مقتدر با سامان دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه
-	-	یکپارچگی سیاسی (همگرایی داخلی)
		هویت اسلامی و انقلابی - تأکید بر مردم‌سالاری دینی - مفتخر به ایرانی بودن.

تحلیل یافته‌های پژوهش:

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (نسخه بازنگری ۱۳۶۸ ش.).

در بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران از تحلیل محتوای کیفی با رویکرد تلخیصی و چارچوب نظری ترکیبی استفاده شده است؛

-شاخص دولت:

- حاکمیت قانون و ضابطه در نظام اداری: گزاره‌ها با تمرکز بر حاکمیت قانون و مقررات در نظام اداری، بر تقدم اصول اسلامی در قانون‌گذاری، در حوزه‌های مدنی، کیفری، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی و سیاسی تأکید دارند و دعاوی عادلانه را به‌عنوان یک حق اساسی برای هر مسلمان تأیید می‌کند.

- تمرکززدایی در اداره کشور: این امر بر تعهد قانون اساسی به تمرکززدایی و حفظ استقلال در میان سه قوه تأکید می‌کند که منعکس‌کننده تعادل ظریف بین قدرت الهی و یک مدل حکومت‌داری توزیع‌شده (تقسیم قوا) است.

- تخصصی کردن حکومت: گزاره‌های این مؤلفه، یک ساختار حکومتی ظریف را نشان می‌دهد که اصول اسلامی، رویه‌های دموکراتیک و مسئولیت‌پذیری اجرایی را در هم می‌آمیزد.

- یکپارچگی ساختارها و روندها: گزاره‌های این مؤلفه، نشان‌دهنده تعهد به کارایی، یکپارچگی مالی و یک سیستم حکومتی سازمان‌یافته در چارچوب قانون اساسی است.

- منابع درآمدی دولت (دولت غیر رانتی): گزاره این مؤلفه، سیستم اقتصادی را ترسیم می‌کند و مدل سه‌بخشی را برجسته می‌کند: دولتی، تعاونی و خصوصی. این نشان‌دهنده تعهد به چشم‌انداز اقتصادی متنوع است و به‌جای تکیه صرف بر درآمد مبتنی بر رانت، قصد ایجاد درآمد از طریق بخش‌های تولیدی را نشان می‌دهد. تأکید بر "برنامه‌ریزی منظم و صحیح" بر رویکرد استراتژیک به توسعه اقتصادی تأکید می‌کند که منعکس‌کننده درک دقیقی از نظریه‌های توسعه سیاسی در چارچوب قانون اساسی است.

- عدم وجود فساد اداری و سیاسی: دادگاه‌های تخصصی و نهادهای نظارتی در این مؤلفه بر حقوق شهروندان و مقابله با فساد تأکید می‌کنند. این ساختار قانون اساسی بر رویکردی جامع برای مبارزه با فساد، یکپارچه‌سازی مکانیسم‌های قانونی، قضایی و نظارتی تأکید دارد.

- نفوذ نظام سیاسی (حاکمیت سرزمینی): بر اساس گزاره‌های به‌دست‌آمده؛ تمرکز بر نفوذ نظام سیاسی، به‌ویژه حاکمیت سرزمینی، از طریق حکومت جمهوری اسلامی است که به‌وسیله مردم انتخاب‌شده است. رأی (اصل اول). این امر به‌طور خلاصه بر پشتوانه دموکراتیک نظام سیاسی تأکید می‌کند و با تأکید بر نقش مردم در تعیین ساختار دولت، با نظریه‌های توسعه سیاسی همسو می‌شود. عبارت "جمهوری اسلامی" همچنین به معنای آمیختگی اصول دینی با حکومت سیاسی است که نشان‌دهنده ترکیبی منحصر به فرد در چارچوب قانون اساسی است.

- یکپارچگی سیاسی (همگرایی داخلی): گزاره‌های این مؤلفه بر آرمان ایجاد جامعه‌ای یکپارچه و عادلانه سیاسی در چارچوب جمهوری اسلامی ایران تأکید دارد.

جامعه مدنی (نهادهای و تشکیلات غیردولتی)

- احزاب سازمان‌یافته: گزاره‌های این مؤلفه، نشان‌دهنده یک رویکرد ظریف است که اهمیت نهادهای غیردولتی متنوع را تصدیق کرده و شرایط خاصی را همسو با اصول اسلامی تعیین می‌کند مشروط بر اینکه آنها به اصول اسلامی پایبند بوده و تعادل بین آزادی‌های مدنی و حفظ ارزش‌های دینی و اجتماعی در چارچوب قانون اساسی را نشان دهند.

-قوانین و ساختارهای لازم برای مشارکت نهادهای جامعه مدنی: این گزاره‌ها بر همکاری برای پیشرفت سریع در برنامه‌های مختلف رفاهی تحت نظارت شورا تأکید دارد و نشان‌دهنده تعهد به مشارکت جامعه مدنی در توسعه اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی است. این گزاره‌ها چارچوب قانون اساسی را نشان می‌دهد که نقش فعال جامعه مدنی در تصمیم‌گیری و پیشرفت اجتماعی را تأیید و تسهیل می‌کند.

- عملکرد دموکراتیک جامعه مدنی: گزاره‌های این مؤلفه، نشان‌دهنده تعهد به مشارکت دموکراتیک است. بر آزادی بیان در روزنامه‌ها، مطبوعات و رسانه‌ها تأکید می‌کند و در این اصل، پایبندی به موازین اسلامی و منافع ملی مشخص شده است.

شاخص مردم و جامعه (شهروندان)

- آگاهی سیاسی: گزاره‌ها اهمیت مطبوعات و رسانه‌های جمعی را در افزایش آگاهی عمومی برجسته می‌کند. تصمیمات قانونی را از طریق فراندوم، تشویق به مشارکت مستقیم عمومی در مسائل مهم، نشان می‌دهد که نشان‌دهنده تعهد به آگاهی سیاسی و حکومت مشارکتی است.

- وجود عنصر اعتماد در روابط اجتماعی: گزاره‌ها بر مؤلفه اعتماد در روابط اجتماعی در شاخص مردم و جامعه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران متمرکز شده‌اند. این گزاره‌ها در مجموع نشان‌دهنده تعهد قانون اساسی به اعتمادسازی و حفظ عناصر اساسی زندگی افراد در بافت اجتماعی جمهوری اسلامی ایران است.

- همبستگی ملی و احساس تعلق ملی: گزاره‌های این مؤلفه، متمرکز بر مؤلفه همبستگی ملی و احساس تعلق ملی به مردم و جامعه شاخص قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. این پیشنهاد نشان‌دهنده تعهد به نظریه‌های توسعه سیاسی است که انسجام اجتماعی را در اولویت قرار می‌دهد و بر نقش جدایی‌ناپذیر همبستگی شهروندان در تلاش‌های جمعی کشور تأکید دارد.

- عدم وجود شکاف‌های آشتی‌ناپذیر در جامعه: گزاره‌ها بر تعهد قانون اساسی برای جلوگیری از شکاف‌های آشتی‌ناپذیر در جامعه از طریق حصول اطمینان از اینکه تصمیمات اتخاذ شده در سطح شورا با اصول اسلامی و قوانین ملی مطابقت دارد که تلاشی برای پل زدن بین شکاف‌های بالقوه و حفظ انسجام اجتماعی در چارچوب قانون اساسی است.

- جامعه‌پذیری: گزاره بر نقش قانون اساسی در هدایت فرآیند جامعه‌پذیری به سمت جامعه نمونه موردنظر در جمهوری اسلامی ایران، ادغام نظریه‌های توسعه سیاسی را نشان می‌دهد.

- انسجام اجتماعی: گزاره‌های این مؤلفه، مجموعاً بر تعهد قانون اساسی به انسجام اجتماعی، تنوع و شهروندی فراگیر در جمهوری اسلامی ایران تأکید می‌کند.

سند چشم‌انداز به منظور دستیابی به وضعیت مطلوب در شاخص‌های کلان اقتصادی و اجتماعی در افق سال ۱۴۰۴ تدوین شده است و سیاست‌های کلی آن مبنای تنظیم سیاست‌های کلی چهار برنامه پنج‌ساله توسعه قرار گرفته است. بنابراین، اگرچه در سند چشم‌انداز ارتقاء قدرت و توان تولید با ویژگی‌های رشد پرشتاب و مستمر، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم، برخورداری از دانش پیشرفته، توانایی در علم و فناوری، سهم برتر منابع انسانی و سرمایه اجتماعی در تولید ملی و تعامل سازنده و مؤثر با جهان مورد تأکید قرار گرفته است، اما این امر به‌عنوان پیش‌نیازهای ضروری الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت محسوب می‌شود. نتایج حاصل از تحلیل داده‌های این سند به شرح زیر است:

شاخص دولت

حاکمیت قانون و ضابطه در نظام اداری: گزاره‌های این مؤلفه در مجموع منعکس‌کننده یک رویکرد کل‌نگر به حکمرانی، یکپارچه‌سازی چارچوب‌های اخلاقی و قانونی برای هدایت چشم‌انداز بلندمدت ایران است.

- تمرکززدایی در اداره کشور: بر اساس نظریه‌های توسعه سیاسی و درک اهمیت مناسب‌سازی شیوه‌های اداری با زمینه‌های محلی، تقویت توسعه منطقه‌ای و ارتقای ساختار حاکمیتی فراگیرتر و سازگارتر در چشم‌انداز کلی برای آینده ایران پیشنهاد می‌شود.

- تخصصی کردن حکومت: گزاره‌های این مؤلفه رویکردی جامع را منعکس می‌کند که تخصص‌های اقتصادی، علمی و فناوری را باهم ترکیب می‌کند تا ایران را به‌عنوان یک رهبر منطقه‌ای قرار دهد که نشان‌دهنده یکپارچگی ظریف از نظریه‌های توسعه سیاسی در چشم‌انداز بلندمدت این کشور است.

- منابع درآمدی دولت (دولت غیر رانته): تأکید بر جنبش نرم‌افزاری نشان‌دهنده تمرکز استراتژیک بر فناوری و نوآوری است که رویکردی متفاوت برای تولید درآمد در راستای روندهای اقتصادی معاصر است. این پیشنهاد منعکس‌کننده یک چشم‌انداز یکپارچه است که ملاحظات توسعه اقتصادی و سیاسی را در چارچوب استراتژی‌های درآمد دولت برای آینده در برمی‌گیرد.

- عدم وجود فساد اداری و سیاسی: گزاره‌های به‌دست‌آمده، منعکس‌کننده یک چشم‌انداز یکپارچه است که ملاحظات توسعه اقتصادی و سیاسی را در چارچوب استراتژی‌های درآمد دولت برای آینده را شامل می‌شود.

- نفوذ نظام سیاسی (حاکمیت سرزمینی): این گزاره‌ها با نگاه ایدئولوژیکی و آرمانی برای تبدیل شدن به یک منبع الهام در جهان اسلام از طریق تعامل سازنده بین‌المللی با نظریه‌های توسعه سیاسی که بر مشارکت جهانی برای پیشرفت ملی تأکید دارد. چشم‌انداز کشوری امن، مستقل و قدرتمند با سیستم دفاعی مبتنی بر بازدارندگی همه‌جانبه نشان‌دهنده

تعهد به حاکمیت ارضی و خودمختاری استراتژیک است. در این بخش ادغام ظرفیت‌های تئوری‌های توسعه سیاسی است که همکاری بین‌المللی را با استراتژی دفاعی قوی برای شکل دادن به نفوذ سیاسی و حاکمیت ایران ترکیب می‌کند.

- یکپارچگی سیاسی (همگرایی داخلی): این گزاره‌ها با تأکید بر هویت اسلامی و انقلابی با نظریه‌های توسعه سیاسی که بر اهمیت ارزش‌های مشترک برای انسجام داخلی تأکید می‌کنند. ترویج مردم‌سالاری دینی بر تعهد به نظامی تأکید می‌کند و ارزش‌های مذهبی، فرهنگی و دموکراتیک را برای یک هویت ملی منسجم در خود جای می‌دهد.

جامعه مدنی (نهادهای و تشکیلات غیردولتی)

- احزاب سازمان‌یافته: تأکید این گزاره‌ها بر آزادی‌های مشروع و بهره‌مندی از امنیت اجتماعی و قضایی نشان‌دهنده تعهد به پرورش یک جامعه مدنی قوی است. این گزاره‌ها با نظریه‌های توسعه سیاسی، به‌ویژه آنهایی که از حمایت از آزادی‌های فردی و ایجاد یک محیط امن برای احزاب سازمان‌یافته حمایت می‌کنند، همسو هستند. این چشم‌انداز بر اهمیت نهادهای جامعه مدنی تأکید می‌کند و نشان‌دهنده ادغام ظرفیت‌های توسعه سیاسی در تدوین اهداف بلندمدت ایران است.

- قوانین و ساختارهای لازم برای مشارکت نهادهای جامعه مدنی: تأکید این گزاره‌ها بر اصول اخلاقی، ارزش‌های اسلامی و مردم‌سالاری دینی با نظریه‌های توسعه سیاسی همسو می‌شود و بر نقش ارزش‌های مشترک در شکل‌دهی چارچوب‌های قانونی تأکید می‌کند. گنجاندن عدالت اجتماعی، آزادی‌های مشروع و حفظ کرامت انسانی نشان‌دهنده تعهد به ایجاد محیطی فراگیر و امن برای نهادهای جامعه مدنی است.

- عملکرد دموکراتیک جامعه مدنی: تأکید بر توسعه همسو با الزامات فرهنگی، جغرافیایی و تاریخی نشان‌دهنده تعهد به متناسب‌سازی شیوه‌های دموکراتیک با شرایط خاص ایران است. این ادغام نظریه‌های توسعه سیاسی بر اهمیت حساسیت فرهنگی و پاسخگویی به تفاوت‌های تاریخی و جغرافیایی در تقویت جامعه مدنی دموکراتیک تأکید می‌کند. گزاره‌ها رویکردی جامع را منعکس می‌کنند که به ماهیت پویای دموکراسی و انطباق آن با ویژگی‌های منحصر به فرد چشم‌انداز سیاسی-اجتماعی ایران اذعان دارد.

مردم و جامعه (شهروندان)

- آگاهی سیاسی: تمرکز بر جنبش نرم‌افزار نشان‌دهنده تعهد به استفاده از فناوری برای آگاهی سیاسی است. این با نظریه‌های توسعه سیاسی که نقش انتشار اطلاعات و پیشرفت‌های فناوری را در پرورش آگاهی سیاسی به رسمیت می‌شناسند، همسو است. این پیشنهاد منعکس‌کننده یک رویکرد معاصر است که ابزارهای دیجیتالی را برای افزایش آگاهی سیاسی شهروندان و همسویی با چشم‌انداز در حال تحول توسعه سیاسی یکپارچه می‌کند.

-وجود عنصر اعتماد در روابط اجتماعی: التزام به انقلاب، نظام اسلامی و شکوفایی ایران حاکی از عنصر اساسی اعتماد ساز در روابط اجتماعی است. این با نظریه‌های توسعه سیاسی که بر اهمیت اعتماد در تقویت انسجام اجتماعی و ثبات سیاسی تأکید می‌کنند؛ که نشان‌دهنده تعهد به حفظ یک بنیاد اجتماعی است که بر اساس اعتماد به اصول و سیستم‌هایی که کشور را هدایت می‌کنند که برای توسعه بلندمدت سیاسی و اجتماعی ضروری است.

-همبستگی ملی و احساس تعلق ملی: بر ارتباط بین مردم و دولت بر تعهد به تقویت حس اتحاد و تعلق تأکید می‌کند. این با تئوری‌های توسعه سیاسی مطابقت دارد و بر اهمیت همبستگی ملی برای ثبات اجتماعی و سیاسی تأکید دارد. این پیشنهاد نشان‌دهنده تعهد به یک رابطه هماهنگ بین شهروندان و دولت است که برای ایجاد جامعه‌ای منسجم و انعطاف‌پذیر در تعقیب اهداف بلندمدت ملی ضروری است.

-عدم وجود شکاف‌های آشتی‌ناپذیر در جامعه: تعهد به انقلاب، نظام اسلامی و شکوفایی ایران، همراه با روحیه تعاون و سازگاری اجتماعی، نشان‌دهنده تلاش برای پر کردن شکاف‌های اجتماعی است. این با تئوری‌های توسعه سیاسی که بر انسجام اجتماعی به‌عنوان عاملی حیاتی برای ثبات سیاسی تأکید می‌کنند، همسو می‌باشد. گزاره‌ها رویکردی جامع برای تقویت وحدت و به حداقل رساندن شکاف‌های اجتماعی برای پیشرفت پایدار و هماهنگی پیش‌بینی شده در برنامه بلندمدت ارائه می‌دهند.

-جامعه‌پذیری: تحکیم الگوی مردم‌سالاری دینی نشان‌دهنده تعهد به گنجاندن اصول سیاسی در هنجارهای اجتماعی است. این با نظریه‌های توسعه سیاسی که بر نقش جامعه‌پذیری در شکل‌دهی ایدئولوژی‌های سیاسی تأکید دارند، همسو می‌شود. این پیشنهاد منعکس‌کننده تلاشی عمده برای ادغام ارزش‌های دموکراتیک دینی در آگاهی جمعی شهروندان، ترویج آمیزه‌ای هماهنگ از اصول دینی و حکومت دموکراتیک در بافت اجتماعی ایران است.

-انسجام اجتماعی: تثبیت مدل مردم‌سالاری دینی نشان‌دهنده تلاشی هماهنگ برای ادغام ارزش‌های سیاسی در هنجارهای اجتماعی است و انسجام حول یک سیستم مشترک را تقویت می‌کند. عبارت "مفتخر به ایرانی بودن" بیشتر بر احساس غرور ملی تأکید می‌کند و به انسجام اجتماعی کمک می‌کند. این با تئوری‌های توسعه سیاسی مطابقت دارد و تأکید می‌کند که یک جامعه منسجم برای ثبات سیاسی پایدار اساسی است. گزاره‌ها نشان‌دهنده قصد اتحاد شهروندان از طریق ارزش‌های مشترک، ترویج احساس غرور در هویت ملی و الگوی سیاسی اتخاذ شده است.

نتایج و یافته‌های پژوهش:

قانون اساسی یک کشور اغلب به‌عنوان یک سند اساسی در نظر گرفته می‌شود که اصول و ساختارهای اساسی حکومت را مشخص می‌کند. در یک کشور توسعه‌یافته سیاسی، قانون اساسی باید نهادهای دموکراتیک، مانند قوه قضاییه مستقل، انتخابات آزاد و عادلانه و تفکیک قوا بین شاخه‌های مختلف حکومت را پیش‌بینی کند. علاوه بر این، قانون اساسی

ممکن است حقوق و آزادی‌های شهروندان مانند آزادی بیان و اجتماعات را به رسمیت بشناسد و از آنها حمایت کند. به‌طور مشابه، یک سند چشم‌انداز بلندمدت ممکن است اهداف و مقاصد یک کشور را برای یک دوره زمانی خاص بیان کند. در یک کشور توسعه‌یافته سیاسی، این سند ممکن است توسعه‌ی نهادهای دموکراتیک، ترویج حقوق بشر و ایجاد یک دولت پاسخگوتر و پاسخگوتر را در اولویت قرار دهد. تأثیر توسعه سیاسی در قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست‌ساله افق ۱۴۰۴ در عرصه‌های مختلف جامعه قابل‌لمس است. از نظر دولت، توسعه سیاسی ممکن است باعث شفافیت و پاسخگویی بیشتر شود که منجر به دولت مؤثرتر و کارآمدتر شود. جامعه مدنی ممکن است با ترویج آزادی بیان بیشتر و توانایی پاسخگویی مقامات دولتی در قبال اعمالشان از توسعه سیاسی بهره‌مند شود. شهروندان ممکن است با داشتن فرصت‌های بیشتر برای مشارکت در روند سیاسی و حمایت از حقوق و آزادی‌های خود از توسعه سیاسی بهره‌مند شوند. به‌طورکلی، توسعه سیاسی در قانون اساسی و سند چشم‌انداز بیست‌ساله افق ۱۴۰۴ می‌تواند تأثیر عمیقی بر توسعه نظام سیاسی، دولت، جامعه مدنی و شهروندان یک کشور داشته باشد. تعهد به توسعه سیاسی ممکن است به مشارکت دموکراتیک، شفافیت و پاسخگویی بیشتر منجر شود و در نهایت جامعه‌ای باثبات و مرفه‌تر را ایجاد کند.

نتیجه نهایی حاصله از این پژوهش حاکی از آن است که علی‌رغم همگامی و هم‌زمان بودن شروع برنامه توسعه ایران با کشورهای توسعه‌یافته جهان، باگذشت چندین دهه در تدوین ساختارند و هدفمند اسناد برنامه به دستاوردهای کافی و مناسب حتی در سطوح پایه‌ای نرسیده‌ایم، برنامه‌های توسعه از لحاظ توجه به ابعاد مختلف توسعه سیاسی (دولت؛ جامعه و مردم و جامعه مدنی) نیز مورد مطالعه قرار گرفتند. آمار استخراج‌شده می‌تواند به این نتیجه رسید که توسعه سیاسی در قانون اساسی و برنامه‌های توسعه ج.ا.ایران ماهیتی دولت‌محور و از بالا به پایین دارد. همچنین سند چشم‌انداز جمهوری اسلامی ایران در افق ۱۴۰۴، تلاش می‌کند تا از طریق توسعه سیاسی، دموکراسی و مشارکت مردمی در تصمیم‌گیری‌های سیاسی را تقویت کند و به این ترتیب، ایران را به سوی توسعه پایدار و پیشرفت بیشتر هدایت کند. مسئله مهمی که در خصوص ارتباط وظایف دولت با کارایی و اثربخشی خود دولت وجود دارد و با توجه به برنامه‌ها توسعه‌ای و اهداف بلندمدت برای خود تعریف می‌کند این است که؛ از نگاه اصل کارایی و اثربخشی، دولت در همه حوزه‌های دارای مسئولیت و وظیفه است، لکن تفاوت در نوع مسئولیت و مداخله باهدف افزایش کارایی و اثربخشی است. به بیان دیگر از منظر افزایش کارایی و اثربخشی دولت در چارچوب اسلامی، منطقه خالی وجود ندارد و بلکه معیارهایی وجود دارد که نوع مداخله دولت باید بر اساس دستیابی به آن معیارها تنظیم و طراحی می‌گردد.

منابع:

- اخوان کاظمی، بهرام. (۱۳۸۴). نگاهی به سند چشم‌انداز بیست‌ساله و مؤلفه‌های سیاسی آن، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره، ۳۸: ۴۲-۲۵.

- استیگلیتز، ژزف. (۱۳۹۵). ضرورت بازنویسی قوانین اقتصادی: برنامه‌ای برای رشد و رونق فراگیر، مترجم زهرا کریمی. تهران: موسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی.
- اعتباریان خوراسگانی، اکبر، اکبریان، حمیدرضا (۱۳۹۶). تحلیل توسعه سیاسی با استفاده از دیدگاه ساموئل هانتینگتون. کنفرانس سالانه پژوهش در علوم انسانی و مطالعات اجتماعی. تهران: سیویلیکا.
- اعتباریان خوراسگانی، اکبر و قلی پور مقدم، فرید (۱۳۹۶). مرور تطبیقی نظریه‌های توسعه سیاسی. مجله علمی تخصصی رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، شماره ۱۳۹۳-۱۲۶.
- افریشم، سعیده، ۱۳۹۹، مروری انتقادی بر سند چشم‌انداز توسعه ملی و مبانی گفته‌شده در آن، سیزدهمین کنگره ملی پیشگامان پیشرفت، تهران.
- امیدی، رضا (۱۳۹۱). تحلیل برنامه‌های عمران و توسعه ایران از منظر مؤلفه‌های برنامه‌ریزی اجتماعی. برنامه‌ریزی و بودجه، سال هفدهم، شماره ۴، ۹۷-۱۱۴.
- ایمان، محمدتقی و نوشادی، محمود رضا. (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی، فصلنامه پژوهش، سال سوم، شماره دوم: ۴۴-۱۵.
- آبیاری، منصور و همکاران. (۱۳۹۶). نقش حکومت‌های محلی در فرایند توسعه سیاسی مطالعه موردی؛ ایران، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ششم، شماره اول: ۱۹۴-۱۵۹.
- بدیع، برتران. (۱۳۹۳). توسعه سیاسی، مترجم احمد نقیب زاده، چاپ هفتم. تهران: انتشارات قومس.
- بشیریه، حسین. (الف ۱۳۸۰). موانع توسعه سیاسی در ایران. تهران: گام نو.
- بشیریه، حسین (۱۳۷۸). جامعه مدنی و توسعه سیاسی در ایران. تهران، انتشارات علوم نوین.
- بشیریه، حسین. (ب ۱۳۸۰). جامعه‌شناسی سیاسی، چاپ هفتم، تهران: نشر قومس.
- بصیر، ملیحه. (۱۳۹۹). تاریخ اندیشه‌های اقتصاد سیاسی غرب (با نگاهی به بنیادهای فلسفی آن در قرن نوزدهم و بیستم)، تهران: نشر رود.
- توکلی، محمدجواد. (۱۳۹۵). نقد لایحه برنامه ششم توسعه از منظر اقتصاد مقاومتی. مجموعه مقالات همایش برنامه ششم توسعه از دیدگاه اقتصاد اسلامی: ۲۳-۳.
- خاتمی، سید محمد (۱۳۷۹). توسعه سیاسی، توسعه اقتصادی و امنیت، تهران: انتشارات طرح نو.

- خواجه سروی، غلامرضا (۱۳۸۰) بحران‌ها و توالی‌ها در توسعه سیاسی. تهران: انتشارات پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- رستمی، ولی و ابراهیمی، محمود. (۱۳۹۷). قانون جمهوری اسلامی ایران و نظام برنامه‌ریزی، فصلنامه دانش حقوق عمومی، دوره ۷، شماره ۱۹: ۷۲-۴۹.
- ساعی، احمد (۱۳۸۸). مسائل سیاسی و اقتصادی جهان سوم. تهران: انتشارات سمت.
- سن، امارتیارکومار (۱۳۸۱). توسعه به‌مثابه آزادی، مترجم: حسین راغفر. تهران: کویر.
- شاکری، حمید و محمد امامی (۱۳۹۴). حکمرانی خوب و قانون اساسی ج.ا. ایران. پژوهشنامه حقوق تطبیقی، سال اول، شماره ۲.
- شاهعلی، احمدرضا و همکاران. (۱۳۹۹). تحلیل مضمونی توسعه سیاسی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال سوم، شماره سوم: ۸۵-۶۱.
- گودرزی، ساناز. (۱۴۰۰). بررسی حق تعیین سرنوشت در جمهوری اسلامی ایران (با تأکید بر انتخابات ریاست جمهوری سال ۱۴۰۰)، پژوهشنامه حقوق بشری، سال هفتم، تابستان ۱۴۰۰ شماره ۱: ۳۰-۱۲.
- لطیفی، محمود. (۱۳۸۴). نیم‌نگاهی به سند چشم‌انداز از زاویه‌ای دیگر، فصلنامه حکومت اسلامی، شماره ۳۸: ۵۸-۴۳.
- لغت و بیچ، آدریان. (۱۳۸۵) دولت‌های توسعه‌گرا، مترجم: جواد افشار کهن. تهران: انتشارات نی نگار.
- مرکز پژوهش‌های مجلس. (۱۳۹۵). نقد و ارزیابی لایحه ششم توسعه در حوزه سیاست داخلی. معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی مجلس شورای اسلامی، کد موضوعی ۲۶۰، شماره مسلسل ۱۵۰۱۷، ۱-۲۱.
- معین، فرهنگ لغت (۱۳۸۸). تهران: انتشارات امیرکبیر.
- مؤمنی راد، اکبر و همکاران. (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش، فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی، سال چهارم، شماره ۱۴: ۲۲۲-۱۸۷.

- میسای، قاسم و همکاران. (۱۳۹۸). بررسی جایگاه توسعه سیاسی در برنامه‌های توسعه ج.ا.ایران. فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال هفتم، شماره ۲۸، ۱۸۴-۱۵۵.
- وفایی، خسرو (۱۳۹۳). توسعه سیاسی و سیاست مدرن. فصلنامه تخصصی علوم سیاسی، سال دهم، شماره بیست و نهم: ۹۰-۷۵.
- همدانی گلشن، حامد و همکاران. (۱۳۹۸). تدوین یک چارچوب نظری ترکیبی، فصلنامه دانش شهرسازی، دوره ۳، شماره ۴: ۹۱-۱۱۰.
- خانی، ریحانه و نصرالهی، زهرا. (۱۳۹۶). بررسی نقش عوامل مؤثر بر نوآوری، فصلنامه راهبردی و کلان، سال پنجم، شماره هجدهم: ۲۵-۱.
- نوروزی، عبدالرضا و همکاران. (۱۳۸۸). سنجش علم، فناوری و نوآوری، تهران: نشر مرکز تحقیقات سیاسی علمی کشور.
- عباس زاده، مجید. (۱۳۹۹). نگاهی به مفهوم توسعه و بُعد سیاسی آن، فصلنامه دانش تفسیر سیاسی، سال دوم، شماره ۴: ۳۲-۱.

- LATIN:

- Corning, Peter. A, and others (1988). Political Development and Political Evolution, Politics and the Life Sciences, Vol. 6, No. 2 (Feb., 1988), pp. 141-172.
- Huntington, Samuel P. (1966). Political Modernization: America vs. Europe, World Politics, Vol. 18, No. 3 (Apr., 1966), pp. 378-414.
- Nielsen, Lynge. (2011). Classifications of Countries Based on Their Level of Development: How it is Done and How it Could be Done, IMF Working Paper, International Monetary Fund, Authorized for distribution. February 2011.
- Pye, L. W. (1965). The Concept of Political Development. The ANNALS of the American Academy of Political and Social Science, 358(1), 1-13.